

مناط حجیت بناات عقلایی معاصر در اندیشه اصولی امام خمینی (ره)

منصور غریب پور * / سید مهدی جوکار ** / ظهرا ب روستا ***

چکیده:

ظهور نهادهای نوپیدا و مستحدثه به شکل گیری بناات عقلائی جدیدی می انجامد که بررسی مناط حجیت آنها در راستای حل مسائل نوظهور ضروری به نظر می رسد. مسأله مطروحه این است که مناط حجیت این طیف از بناات چیست؟ فرض بر این است که بناات عقلائی معاصر حجیت ذاتی دارند. مشهور دانشمندان اصول قائل به حجیت غیر ذاتی بناء عقلاء هستند به همین روی در مواجهه با بناات مستحدثه و کشف موافقت شارع با محذورات و دشواری هایی روبرو می شوند. نتیجه پژوهش پیش رو مثبت نظریه غیرمشهور یعنی حجیت ذاتی بناات عقلائی بویژه بناات عقلائی معاصر است. با دقت در آثار اصولی امام خمینی (ره) این نتیجه به دست می آید که دیدگاه معظم له متفاوت از دانشمندان اصولی است. بدین شرح که نسبت به بناات غیر مستحدثه ضمن پذیرش حجیت اعتباری، نظریه عدم ردع را اختیار نمودند اما در خصوص بناات عقلایی معاصر میتوان گفت که قائل به حجیت ذاتی میباشد چرا که عقلا (به ما هم عقلا) به آن عمل کرده و عدم تمسک به آنها موجبات عسر و حرج و اختلال نظام را در پیش دارد. قاعده ملازمه، لطف و عنصر مصلحت این دیدگاه را تقویت می کند. پژوهش پیش رو با روش تحلیلی و توصیفی به این مهم پرداخته است.

کلید واژه: بناء عقلاء، مسائل مستحدثه، عدم ردع، اختلال نظام، قاعده ملازمه، لطف

* استادیار گروه الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج؛ (نویسنده مسئول)؛

Email : ma.gharibpoor@gmail.com ,m.gharibpoor@yu.ac.ir

** استادیار گروه الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج؛

Email : m.jokar@yu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه یاسوج؛

Email : roosta184@gmail.com

The validity of contemporary rational structures in the principled thought of Imam Khomeini

Mansoor Gharibpoor */ Seyed Mehdi Jokar **/Zohrab Roosta ***

Abstract:

The emergence of newly created institutions leads to the formation of new rational structures, which it seems necessary to examine their validity in order to solve emerging issues. The issue is, what is the validity of this range of buildings? It is assumed that contemporary intellectual structures have intrinsic validity. Famous scholars believe in the non-intrinsic validity of rational constructions, so they face restrictions and difficulties in confronting invented constructions and discovering the consensus of the Shariah. The positive result of the upcoming research is the unpopular theory, that is, the inherent validity of rational structures, especially contemporary rational structures. By looking carefully at the Usuli works of Imam Khomeini (RA), the conclusion is reached that the view of His Holiness is different from the Usuli scholars. In this way, they adopted the theory of non-deterrence in relation to non-invented constructions while accepting the validity of credit. But regarding the contemporary rational constructions, it can be said that it believes in the inherent validity, because it is rationally (to us also rationally) acted on it, and failure to adhere to them leads to difficulties and embarrassment and disruption of the system. The rule of attachment, grace and expediency element strengthen this view. The upcoming research has addressed this issue with an analytical and descriptive method .

Keywords: rational construction, created problems, lack of deterrence, system disruption, inherent rule, grace

* Assistant Professor of Theology Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of yasooj; (Corresponding Author) ;
Email : ma.gharibpoor@gmail.com ,m.gharibpoor@yu.ac.ir

** Assistant Professor of Theology Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of yasooj;
Email : m.jokar@yu.ac.ir

*** PhD student in Theology Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, University of yasooj;
Email : roosta184@gmail.com

۱- طرح مسأله

در مکتب حقوقی اسلام بناء عقلاء به عنوان یکی از نهادهای مهم، مبنا و پایه حجیت و اعتبار بسیاری از قواعد فقهی مانند قاعده ید و اصاله الزوم در عقود و قراردادهای، و مسائل اصولی مانند حجیت ظواهر میباشد که در فهم و شناخت و استخراج بسیاری از احکام فقهی و حقوقی به آن رجوع می شود.

از طرفی ضرورت پویائی دانش فقه و لزوم پاسخگویی به مسائل و مشکلات روز جامعه و مسائل نوظهور و مستحدثه، اقتضا میکند که دانشمندان و عالمان فقه و حقوق با استفاده از طریق و ابزار معتبر که حجیت آن ثابت و محرز میباشد به شناسایی و استخراج احکام فقهی و حقوقی و تنظیم قوانین و مقررات زندگی جمعی افراد در عرصه های مختلف پردازند. یکی از مهمترین متدی که در این راستا گره گشای مشکلات خصوصاً مسائل نوظهور می باشد رجوع به سیره و بنا عقلاء است. لذا لازم و ضروری است که مبنای حجیت آن به طور دقیق مورد کنکاش قرار گیرد تا با به دست آوردن ملاک و مناط اعتبار آن خصوصاً از نگاه و دیدگاه دانشمندان معاصر علم فقه و اصول، مجرا و میدان عمل آن را بسط و توسعه بدسیم. در این خصوص حضرت امام (ره) یکی از برجسته ترین دانشمندان فقه و اصول معاصر و صاحب نظر در این عرصه بوده که در ابعاد مختلف زندگی افراد اعم از روابط تجاری، مالی، سیاسی و فرهنگی و... به ارائه نظر پرداخته اند و نگاهی خاص و ویژه به سیره و بناء عقلاء در اداره امور جامعه داشته اند. ایشان در این راستا بیان می دارند: "در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد، فقه تئوری واقعی اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و برای معضلات جواب داشته باشیم؟ باید سعی بنمایید که اسلام در پیچ و خم های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد" (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۶۱-۲۸۸). بر این اساس مسئله دارای اهمیت فوق العاده ای

است و همچنان جای تحقیقات علمی دارد و باید گفت؛ در خصوص (پیشینه) بناء عقلا و حجیت آن هر چند مقالاتی از قبیل: «عرف و بناء عقلا در فرآیند اجتهاد»، «چیستی بناء عقلا و تحلیل حجیت بناء عقلا با رویکردی در مسائل مستحدثه» نگاشته شده اما به نقطه نظر و دیدگاه امام به طور مستدل و مبسوط پرداخته نشده و کشف مناط حجیت بناءات عقلایی معاصر از دیدگاه ایشان مغفول مانده است و نیز به مناط حجیت بناءات عقلایی مستحدثه و نظریه حجیت ذاتی داشتن آنها پرداخته نشده است، امری که این پژوهش در پی آن است. از این روی سوال اصلی تحقیق این است که: چگونه میتوان نسبت به سیره و بناءات عقلایی حاضر در مسائل نوظهور و نوپیدا حجیت یا موافقت شارع را کشف نمود؟ مناط حجیت اینگونه بناءات چیست؟ نظریه مرحوم امام خصوصاً با توجه به اهتمام ایشان به نیازهای بروز و جدید مردم در ابعاد مختلف نسبت به مناط حجیت بناءات عقلایی چیست؟

مواد و روش پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و نرم افزاری و پایگاههای اینترنتی انجام گرفته است.

۲- مفهوم شناسی و تنقیح موضوع

در لغت بناء به معنی "عمارت، خانه و ساختمان" (عمید، ۱۳۵۷: ۳۷۵/۱). "اساس، بنیاد برقراری، قرارآمده است" (معین، ۱۳۷۱: ۵۸۰/۱). همچنین عقلاء جمع عاقل و به معنی خردمندان می باشد (عمید، ۱۳۵۷: ۱۴۴۶ / ۲). در اصطلاح تعاریف گوناگونی از بناء عقلاء ارائه شده است از جمله «بناء عقلاء عبارت است از استمرار و تکرار عمل عقلاء در امری از آن حیث که عاقل میباشند، خواه پیرو یک دین و آیین باشند یا اینکه دارای دین و آیین واحدی نباشند» (کازمی خراسانی، ۱۴۰۹: ۳/۱۹۲-۱۹۳) در تعریف جامع می توان گفت: بناء عقلاء که با نامهای عرف عقلاء سیره عقلاء، طریقه عقلاء، بنای عرف، سلوک و عمل عقلاء، و... آمده است (جبار گلباغی، ۱۳۷۸: ۸۲؛ ایزدی فرد، نعمت زاده و کاویار، ۱۳۸۸: ۴۵). عبارت است از روش تمام مردم در مسائل گوناگون و روزمره زندگی، بدین شرح که مردم از ملیت های گوناگون و در زمان های مختلف در برخی از امور به یک روش و

طریقه واحد اتکا و اعتماد میکنند و از آن به بناء عقلاء تعبیر می شود، که اساس روابط مردم در جنبه های گوناگون زندگی آنها به شمار می رود. به عنوان مثال عموم مردم در همه زمانها و مکانها به ظواهر کامل متکلم اعتماد و اعتنا، می کنند و بر اساس ظاهر کامل عمل می کنند (صدر، ۱۴۱۸: ۱۱۱/۱؛ نائینی، ۱۳۷۶: ۱۹۲/۳-۱۹۳؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۱۷۶/۳؛ عراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۷/۳).

اما از دیدگاه امام خمینی؛ ایشان معتقد است سیره عقلاء یک کلمه یا واژه تأسیسی به توسط شارع مقدس نمیباشد و شارع مقدس برای سیره عقلاء تعریفی ارائه نکرده بنابراین این واژه عرفی بوده و تعریف آن به خود سیره عقلا و عرف واگذار شده است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱). لذا می توان گفت که ایشان عرف را همان بنای عقلاء به شمار می آورند و گاهی از عرف و سیره عقلاء با کلماتی چون "امور عقلایی"، "بناء عقلا"، "امارات عقلایی"، "سیره عقلایی" نام میبرند. کما اینکه بیان داشته اند: «عقلاء در همه اموری که به داد و ستد و سیاستها و زندگیشان ارتباط پیدا میکند به اماره های عقلایی عمل می نمایند» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱/۳۴۰-۱۹۴) و در جایی دیگر گفته اند: «اماره های عقلایی اموری است که عقلاء در داد و ستد ها و تدابیر اجتماعی و همه شئون زندگی خویش به آنها عمل می کنند به طوری که اگر شارع مقدس آنها را از عمل به آن منع کند نظام جامعه مختل میشود و حرکت و چرخه ی زندگی اجتماعی متوقف میشود» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱/۱۰۵).

۳- حجیت بنای عقلا از دیدگاه اصولیون

در خصوص حجیت ذاتی یا غیر ذاتی داشتن و نیز مناط حجیت بناءات عقلانی که نقش آنها کبری واقع شدن برای اثبات حکم شرعی است میان دانشمندان علم اصول اختلاف نظر وجود دارد و نظرات مختلف به شرح زیر دسته بندی می شود.

۳-۱- نظر مشهور

مشهور و اکثر معتقدند بناء عقلاء حجیت غیر ذاتی و به تعبیر دیگر حجیت اعتباری دارد. چرا که تنها قطع و یقین به خودی خود و ذاتاً حجیت است و اثبات حجیت آن بی نیاز از دلیل است ولی دیگر ادله مانند بناء عقلاء برای حجیت بودنشان نیاز به پشتوانه و دلیل قطعی دارند (مظفر، ۱۴۳۰: ۱۷۷/۳). این دسته از دانشمندان در مورد مناط حجیت بناء عقلاء اختلاف نظر دارند و به دو نظر به شرح ذیل قائلند.

۱-۱-۳- نظریه عدم احراز ردع

با مطالعه در آثار دانشمندان اصولی به نظر می رسد نظریه عدم احراز ردع از نظریات مشهور و اکثر در این باب می باشد. از جمله اصفهانی (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲-۳۲۰/۳) شریف العلمای مازندرانی (بی تا: ۳۹۹) و موسوی بجنوردی (بجنوردی، ۱۳۸۰: ۱۵۵-۱۵۶) مناط و مبنای حجیت بناء عقلاء را عدم احراز ردع و عدم اثبات مخالفت شارع دانسته و معتقدند که وقتی از وجود ردع و منع شارع آگاهی و اطلاع کسب نکنیم، موافقت شارع با سیره و بناء عقلاء احراز می گردد. این دسته حتی معاصرت و همزمانی سیره با معصوم (ع) را شرط نمی دانند و اصل را بر موافقت شارع با بناء عقلاء می دانند. جهت تنقیح مطلب نظر دو تا از برجسته ترین دانشمندان اصولی بررسی می شود.

الف: دیدگاه محقق نائینی: به عقیده ایشان برای اثبات حجیت سیره و بناء عقلاء عدم احراز ردع معصوم (ع) کافی است و نیاز به امضاء معصوم نیست. عین عبارت محقق نائینی در این راستا چنین است «لا اشکال فی اعتبار الطریقه العقلایی و صحت التمسک بها فانها اذ كانت مستمره الی زمان الشارع و كانت بمنظر منه و مسمع، و كان متمکناً ردعهم، و مع هذا لم یردع عنها، فلا محاله یکشف کشفاً قطعياً عن رضا صاحب الشرع بالطریقه و الا الردع عنها، کما ردع عن کثیره من بنائات الجاهلیه و من ذالک یظهر انه لا یحتاج الی امضاء صاحب الشرع و التصریح باعتبارها بل یکفی

عدم الردع عنها...» (نائینی، ۱۳۷۶: ۱۹۳/۳) طبق این عبارت محقق نائینی صرف عدم احراز ردع را در اعتبار کافی می داند و لذا قائل به احراز عدم نیست.

ب: دیدگاه شهید صدر: ایشان در خصوص مناط حجیت سیره عقلانیه نظرات متفاوتی را ارائه کرده‌اند و در نهایت به نظر می رسد نظریه عدم احراز ردع را برگزیده اند و معتقدند بناء عقلاء حجیت ذاتی ندارد و در صورتی واجد حجیت است که به امضاء و تقریر معصوم رسیده باشد (صدر، ۱۴۰۶: ۱۱۷/۲). مرحوم صدر سکوت معصومین (ع) در مقابل سیره های عقلانی که معاصر با معصومین هستند را نوعی تقریر می دانند و بر این باورند که سکوت معصوم در برابر این سیره ها به معنای تایید آنها است (هاشمی، ۱۴۱۷: ۲۴۳/۳) زیرا اگر معصومین از یک سیره عقلایی منع کرده باشند از آنجا که انگیزه شدید برای نقل و اخبار آن از سوی راویان و اصحاب وجود دارد، قطعاً آن منع به دست ما می رسد. لذا عدم وصول منع شارع از سیره عقلاء به ویژه سیره های عقلانی که نزد مردم استوار است، حاکی از عدم ردع و منع شارع نسبت به آن سیر و بناء عقلاء می باشد (هاشمی، ۱۴۱۷: ۱۸۷/۳-۱۸۴).

۲-۱-۳- نظریه احراز عدم ردع

برخی از علمای اصولی مبناء و مناط حجیت بناء عقلاء را احراز عدم ردع شارع دانسته و برای احراز رضایت و موافقت شارع روش تقریر را مطرح کرده اند بدین شرح که سکوت شارع در خصوص یک سیره کاشف از موافقت شارع به آن سیره است (صدر، ۱۴۰۸: ۱۰۱/۲؛ حائری یزدی، بی تا، ۲/۳۳-۲۳۹؛ نائینی، ۱۳۷۶: ۱۹۳/۳؛ حکیم، بی تا: ۱۹۸).

به این علت بناء عقلاء به تقریر معصوم (ع) نیاز دارد که حجت قطعی در مقام کشف از واقع نمی باشد زیرا امکان دارد که شارع مقدس طریق دیگری غیر از

سیره عقلاء برگزیند و بناء عقلاء را ردع کند اما با تقریر و امضاء شارع یا عدم ردع آن، مکلف قطع و یقین به حجیت آن حاصل می‌کند (حکیم، بی تا: ۱۹۸).

۳-۱-۳- ثمره نزاع بین نظریه احراز عدم ردع و نظریه عدم احراز ردع در مواجهه با بناات مستحده

مطابق با نظریه احراز عدم ردع، اثبات عدم مخالفت شارع با بناات عقلایی ضروری است اما بر مبنای نظریه عدم احراز ردع صرف عدم اثبات مخالفت شارع با بناات عقلایی مستحده کافی است، یعنی به محض اینکه از وجود منع و ردع شارع مطلع شدیم، رضایت و تأیید شارع محرز می‌گردد با این مطلب تفاوت اصلی و کلیدی این دو نظریه در مواجهه و برخورد با سیره و بناات مستحده آشکار می‌شود. بدین شرح که به زعم طرفداران نظریه احراز، چنانچه در خصوص این دسته از بناات موافقت و نیز ردع و منع شارع وجود نداشته باشد نمی‌توان مفاد آن سیره را حجت محسوب کرد و به آن تمسک نمود چرا که از عدم مخالفت شارع یقین حاصل نگردیده است. اما طبق نظریه عدم احراز چین سیره‌هایی حجیت دارد و می‌توان به استناد آنها حکم صادر نمود (جهانخواه، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

۳-۱-۴- اشکال وارده بر نظریه مشهور

قائلین نظر مشهور که اعتبار و حجیت بناات عقلایی را منوط به تأیید شارع و موافقت شارع می‌دانند و به تعبیر دیگر قائل به حجیت غیر ذاتی می‌باشند با محذورات و مشکلاتی در مواجهه با بناات مستحده روبرو می‌شوند. با این توضیح که از نقطه نظر آنها اصل بر عدم حجیت این دسته از سیره‌ها است چرا که نسبت به آنها عدم ردع یا تقریر معصوم را نمی‌توانند اثبات و کشف کنند و اگر هم بشود با سختی و دشواری فراوانی در راستای کشف موافقت شارع روبرو می‌شوند. آن چنان که گفته شده است طبق این دیدگاه حجیت سیره‌های مستحده تنها پس از اثبات امتداد تاریخی آن تا زمان معصوم و نیز اثبات هم مسلک بودن معصوم با آنها،

در جایی که ممکن بود از او صادر شود و یا تقریر آن از ناحیه معصوم اگرچه با نهی نکردن از آن با وجود امکان منع و اطلاع در صورتی که امکان صدور از خود معصوم وجود نداشته باشد و البته در صورتی که آن اثبات نشود، امکان دارد در غیر این صورت نمی‌توان به آن بنائات تمسک کرد (حکیم، ۱۴۱۸: ۱۹۳).

۲-۳- نظر غیر مشهور

عده ای از علمای علم اصول معتقدند که بناء عقلاء، حجیت ذاتی دارد و بی نیاز از امضاء شارع می‌باشد (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۱؛ طباطبائی، بی تا: ۲/ ۲۰۶). در استدلال بر این نظریه گفته شده چنانچه بناء عقلا را حکم عقل بپنداریم بی نیاز از امضاء شارع است و اگر آن را جز حکم عقل محسوب کنیم باز به امضاء شارع نیاز ندارد چرا که عقلا به ما هو عقلا زمانی که برای حفظ مصالح حکم به امری میکنند شارع هم که خود از عقلا است مخالفتی با آن نخواهد داشت (محصلی، ۱۳۹۰: ۲۸۴) قابل ذکر است که دلیل عقل غیر از دلیل عقلایی و سیره عقلایی است و با بناء عقلاء متفاوت است بدین شرح که سیره و بناء عقلاء مبتنی بر فطرت و ضرورت های نظام زندگی جمعی است که هر عاقلی بما هو عاقل آن را می پذیرد بنابراین حجیت آن ناشی از حکم عقل است نه اینکه خودش دلیل عقل یا حکم عقل باشد.

از قائلین به این نظر مرحوم علامه طباطبائی می باشد، ایشان در تأیید نظر خویش معتقدند بنائات عقلاء ناشی از ضروریات نظام اجتماعی هستند از این روی عقلاء بطور فطری آن را درک می کنند بنابراین اعتبار آنها نزد شارع محرز و مسلم است و مخالفت شارع با آنها مخالفت با اجتماع و نظام است (طباطبائی، بی تا: ۲/ ۲۰۶).

۱-۲-۳- بررسی و تحلیل نظر غیر مشهور

با توجه به اینکه این نوشتار درصدد اثبات حجیت ذاتی بناات عقلایی به ویژه بناات عقلایی معاصر است، جهت تقویت نظر غیرمشهور از مستندات و دلایل زیر در احراز حجیت ذاتی مدد می گیرد.

دلیل اول: سیره عقلاء ریشه در عقل عملی انسان دارد و این عقل، عقل فطری است که خداوند در انسان به ودیعه گذاشته که اشتباه نمی کند و خطا ناپذیر است بنابراین سیره عقلاء بما هو عقلاء از عقل فطری نشأت گرفته و حجت است، و حجیت آن نیازی به امضاء شارع ندارد (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۴۴/۳). کما اینکه در تعریف سیره عقلاء گفته شده سیره ای عقلانی است که عقلاء بما هو عقلاء به آن عمل می کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۱۴۰). به تعبیر دیگر منشاء بناء عقلاء عنصر عقلانی و نیز فطری و الهی است و به همین دلیل همه مردم به آن اعتنا می کنند و علاوه بر عقلانی بودن بر اساس تعالیم انبیاء الهی است که بر عقلاء مبعوث گشته و با آنها حشر و نشر دارد و لذا اگر رفتار و عملی انجام دادند مورد تایید شارع است، خلاصه آنکه بناء عقلاء یعنی چیزی که به ذات آنها برمی گردد و از طرفی ذات و فطریات نیز طریق الی الواقع است (هادی عباسی خراسانی، درس خارج فقه: ۱۳۹۹/۸/۵).

دلیل دوم: برخی اصل حاکم بر رفتار شارع در غیر عبادات را امضاء و تصحیح بنیان ها و بناهای مردم دانسته مگر آنکه خلافش با دلیل معتبر ثابت شود زیرا شارع در معاملات مانند بسیاری از مسائل مستحدثه بنیانگذار نیست و صرفاً نقش اصلاح گری دارد از این رو لازم نیست نظر موافق و تاییدی خویش را ابراز کند (علیدوست، ۱۳۸۴: ۳۴) مثلاً در معاملات عقلایی گفته میشود فساد آن به دلیل معتبر نیاز دارد لذا اصل بر صحت آن است (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳۳/۲). اطلاعات و عموماً نیز متضمن تایید اعتبار عقلایی است خصوصاً که حجیت اعتبار عقلایی تضمین کننده پاسخگویی فقه به موضوعات متغیر و عرفی مستحدثه است.

دلیل سوم: عقلای عالم اهل ذکاوت و دقت و تیزبینی و نبوغ بوده و وقتی بر امری اتفاق نظر داشته باشند اتفاق و تبانی آنها بر کذب عادتاً محال است به همین دلیل محال است خطا کنند، همچنین سیره عقلاء شامل سیره شرعی هم می شود چون سیره عقلاء یعنی روش و طریقه علمای عالم، کسانی که کارهای عاقلانه دارند و شارع مقدس هم از عقلاء است و از این سیره عقلایی خارج نیست (هادی عباسی خراسانی، درس خارج فقه: ۱۳۹۹/۸/۵). نظریه امام در زمره این دیدگاه ارزیابی می شود که به تفصیل در ذیل مورد ارزیابی قرار می گیرند.

۳-۳- نظریه مرحوم امام خمینی

برای کشف مناط حجیت سیره و بناء عقلاء از نقطه نظر مرحوم امام خمینی (ره) دست یابی بهتر به دیدگاه ایشان بهتر است بناءات عقلایی را آنگونه که فقها بیان داشته اند، در سه دسته تقسیم و نقطه نظر مرحوم امام خمینی (ره) در هر سه قسم بطور جداگانه مورد کنکاش قرار گیرند.

الف: سیره و بناءات عقلایی مقارن عصر شارع از حیث ارتکاز و سلوک خارجی مانند اعتماد به خبر ثقه: در این خصوص ابتدا مرحوم امام (ره) معاصرت و همزمانی سیره مورد نظر با پیامبر اکرم (ص) یا یکی از معصومین (ع) را شرط می دانند و پس از بحث و ارائه نظرات مختلف اصولی مناط و مبنای عدم ردع را مقبول دانسته و آن را کافی می دانند.

به این بیان که اگر معصوم (ع) مردم را از عمل به سیره عقلایی مورد نظر منع می کرد، به طور حتم خبر آن به دست ما می رسد چراکه منع و ردع شارع از بناء عقلایی که همگان به آن عمل می کنند، آنچنان مهم محسوب می شود که بلاشک در جامعه امروزی بازتاب وسیعی داشته و افراد مختلف آن را نقل خواهند کرد و

همین که ردعی به دست ما نرسیده ملاک و کاشف از این است که اصلاً ردعی نسبت به آن بناء عقلائی از ناحیه معصوم (ع) حادث نشده است (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۱۶۶/۲). به همین مناسبت گفته است: صرف بناء گذاری خردمندان جامعه بر عمل کردن به سخن ایشان، مثمر ثمر نخواهد بود مگر اینکه عدم نهی شارع، که حاکی از رضایت اوست به این بناء گذاری ضمیمه شود» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۵۰/۱). در ارائه دلیل بر این سخن بیان می‌دارند: «نفس عدم ردع از ناحیه شارع مقدس در صحت و نفوذ بناء عقلاء کفایت می‌کند پس معامله نافذ در نزد عقلاء اگر نزد شارع هم نافذ نباشد حتماً باید از آن ردع نماید و در نفوذ و تایید آن معامله نزد عقلاء عدم ردع شارع کفایت می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۱۵/۱).

ایشان در پاسخ به بیان برخی که اظهار داشته اند در معاملات به دلیل اعتباری بودن به امضاء و تصریح شارع نیاز می‌باشد و صرف عدم ردع کفایت نمی‌کند، بیان می‌دارند «همانا این کلام که معاملات به دلیل اعتباری بودن نیاز مند تصریح و امضاء شارع در تایید آنها می‌باشد، مردود است، چرا که اعتباری بودن آنها، لزوم امضای شارع را در پی ندارد. بنابراین در حجیت و صحت معاملات از سوی شارع، صرف عدم ردع شارع مقدس کفایت میکند. چرا که اگر معاملای در نزد توده‌های عقلا نافذ و موثر باشد اما نزد شرع اینطور نباشد، وظیفه شارع مقدس است تا از آن نهی کند و در اثبات صحت و موثر بودن آن در نزد شارع صرف عدم ردع او کفایت می‌کند» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۳۴/۲-۱۳۵).

البته همانگونه که ابتدای بحث اشاره شد؛ مرحوم امام (ره) روش عدم ردع را تنها در مورد سیره و بناءات عقلائی متصل به عصر معصومین (ع) به عبارتی سیره و بناءات عقلایی که در مسمع و منظر معصوم می‌باشد مفید به فایده می‌دانند. و در این خصوص می‌گوید: تردیدی وجود ندارد مبنی بر اینکه حجت بودن ارتکاز عقلاء و بناگذاری ایشان بر چیزی پس از امضاء و تایید شارع و بسنده نمودن به عدم نهی

شارع، مشروط به این است که این بنا گذاری در منظر معصوم (ع) باشد اما اگر عقلاء بناء خودشان را بر موضوعی جدید که در زمان معصومان (ع) نبوده بگذارند در این صورت نمی توان تائید و امضاء شارع مقدس را نسبت به آن بناء به دست آورد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲۳/۲). نتیجه این که این نظر در خصوص بنااتی که در منظر شارع بوده است و می توانست از آنها ردع کند و نکرده است سودمند است.

ب: سیره و بناءات عقلایی مقارن عصر شارع از حیث ارتکاز و نبود سلوک خارجی در آن زمان: توضیح آن که گاهی جهت ارتکازی عقلایی در زمان معصومین وجود دارد اما نسبت به مصداق مورد بحث سلوک عملی در خارج نبوده مانند تقلید ابتدایی از میت. نگره و اندیشه امام در خصوص مورد دوم اینگونه توصیف و تحلیل می شود که: ایشان به عنوان فقیهی نواندیش، تکیه و اذعان بر علم معصومان (ع) نسبت به وقایع و رویدادهایی که در آینده حادث خواهد شد، تفاوتی میان سیره های عقلایی متصل به زمان شارع با دیگر بناءات عقلایی غیر متصل به زمان آنها قائل نمی شوند و همین روش عدم ردع را برای اعتبار و جهت سیره و بناء عقلایی نوپیدا و معاصر موثر می دانند و از این طریق حجیت و اعتبار آن را اثبات می کنند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲۹/۲ - ۱۳۰). و معتقدند که معصومین (ع) هدایتگر نسل آینده نیز هستند و در این خصوص می فرمایند «پیامبر (ص) و ائمه (ع) به حال و وضع زمان های آینده آگاهی داشته و می دانستند که در زمان های آینده و دوران غیبت کبری، چه روش هایی در میان جامعه متداول می شود و چه سیره هایی سیطره و نفوذ پیدا می کند و اگر به آن سیره هایی که در زمان های بعد در بین مردم جا افتاده و معمول گردیده یا خواهد گردید، راضی نبودند بایستی در همان زمان خودشان از آن سیره ها که تحقق خواهد یافت منع می کردند ولی چون منع نکردند، کاشف از آن است که سیره عقلاء در هر عصر و زمانی حجت است» (امام خمینی، ۱۴۱۰: ۱۳۰/۲ - ۱۳۱). در تائید مطالب فوق در جایی دیگر بیان می دارند: «در فرض اختلاف شیوه شارع با روش متداول مردم، اهمال شارع در بیان شیوه

خاص خویش صحیح نخواهد بود، بنابراین از بیان نشدن روش خاص از سوی شارع می‌توان فهمید که روش او همان روش مرسوم و متداول در بین عقلاء می‌باشد» (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۳۹۷/۱).

همچنین مرحوم در جواب اشکالی در باب اجتهاد و تقلید بیان داشته اند که: همان طور که ائمه (ع) سیره عقلائی زمان خود اگر بدان راضی نبودند ردع می‌کردند همچنین سیره عقلائی زمان ما و زمان های دیگر را اگر مورد رضایت نبود می‌بایست ردع میکردند چراکه ائمه می‌دانستند که در آینده در میان شیعیان چنین شیوه ها و روش هایی تاسیس و استقرار پیدا می‌کند پس اگر با این بناءات عقلائی مخالف بودند حتماً نظر مخالف خود را اعلام می‌کردند و چون منع و ردعی از این روش ها و سیره ها نکرده‌اند بنابراین همه این روش های عقلایی که در عصر غیبت شکل می‌گیرد و رواج می‌یابد مورد تأیید و امضاء ائمه است مگر سیره هایی که مردود اعلام شده است مانند قمار، شراب یا بیع ربوی (امام خمینی، ۱۴۲۶: ۶۱/۱-۸۲). با دقت و کنکاش در نظرات امام (ره) این نتیجه به دست می‌آید که علم و آگاهی معصوم (ع) نسبت به بناءات عقلائی مستحدثه در آینده، هم در نقش و جایگاه معاصرت بناء عقلاء با عصر معصوم واقع شده و هم طریقی است برای اثبات و احراز عدم ردع. زیرا در صورت ردع معصوم خبر آن به همه می‌رسید. بدین طریق مرحوم امام (ره) راهی را برای حجت و تأیید سیره و بناءات عقلائی معاصر باز می‌کنند.

ج: بناءات عقلایی که هم جهت ارتکازی و هم سلوک خارجی آنها مستحدث است: با کنکاش در آثار اصولی و بیانات مرحوم امام که در ادامه بصورت مفصل شرح داده می‌شود نسبت به بناءات عقلایی مستحدثه یا معاصر مانند مالکیت فکری یا حقوق معنوی، نظام بانکداری، بیمه و غیره. دو نقطه نظر می‌توان برداشت نمود. در یک نگاه ایشان اشاره داشته اند که نسبت به این بناءات موافقت معصوم از آنها

را نمی توان احراز کرد (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۱۶۶/۲) و باید موافقت و امضاء شارع مقدس نسبت به آنها را حاصل کرد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۵/۱) اما با استدلالات دیگری که در این نوشتار بصورت مبسوط شرح داده خواهد شد، میتوان گفت که قائل به حجیت ذاتی آن دسته از بنائات مستحدثه ای است که واجد جنبه عقلایی و بر پایه اضطرار و حفظ نظام زندگی اجتماعی شکل می گیرد. بررسی مستندات مشروحه ذیل نشانگر تقویت و تأیید این دیدگاه است.

۱-۳-۳- تحلیل و بررسی دیدگاه امام خمینی در مورد قسم اخیر

همانگونه که شرح داده شد؛ مرحوم امام خمینی (ره) در دو قسم یاد شده از بنائات عقلایی قائل به عدم حجیت ذاتی بودند و آن دو قسم از بنائات را نیازمند به امضاء شارع یا عدم ردع می دانستند اما نسبت به بنائات عقلایی مستحدثه و معاصر می توان گفت معتقد به حجیت ذاتی این بخش از سیره ها و بنائات عقلایی می باشند. هرچند ایشان به این نکته اشاره صریح نکرده، ولی از بیانات و نظرات ایشان در این باب می توان این نظریه را استخراج نمود.

در این راستا معتقدند این بنائات بر اساس: «بما انهم عقلاء» شکل می گیرند. توضیح آنکه بنائات عقلایی در اینجا یک روش عقلایی است که عقلاً بما هم عقلاً به آن عمل می کنند و عمل به آن را ضروری می دانند و عدم اقدام به آن موجب اختلال نظام و هرج و مرج یا دست کم عسر و حرج می شوند از طرفی شارع نیز خودش مانند احدی از عقلاً به آنها عمل می کنند (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۰۵-۱۰۶). در کلامی دیگر بیان می دارند: «ان الامارات المعتمره شرعاً غالبها- ان لم یکن جمیعاً- طرق عقلائیة یعمل بها العقلاء فی سیاساتهم و معاملاتهم، ولا تكون تأسیسیه جعلیه، كما اعترف به المحقق المتقدم رحمه الله» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱). بنابراین مطابق دیدگاه امام (ره) امضاء شارع به معنای جعل حجیت و کاشفیت برای سیره و بنائات عقلایی نیست؛ بلکه امضاء شارع به دلیل اعتبار

عقلایی نهفته موجود در سیره عقلا است آنجا که می فرمایند « صحه گذاری شارع بر قوانین سیره عقلاء دلیلی جز همان اعتبارات عقلایی نهفته در آنها ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱).

در تایید ادعای گفته شده برخی از محققان جهت اثبات حجیت ذاتی داشتن بناء عقلا معتقدند که بناءات عقلایی تماماً واجد منشاء حقیقی هستند و بازگشت آنها به عقل اضطراری است و این اضطرار عقلا است که باعث شیوع و گسترش آنها شده است لذا حجیت آنها به خود عقل برمی گردد (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۶۵).

همین نکته پیرامون بناءات عقلایی مستحدثه، نوپیدا و معاصر نیز صادق است از آن حیث که این بناءات بر اساس ضروریات غیرقابل اجتناب زندگی اجتماعی و اضطرار شکل می گیرند از اینرو می توان گفت که بناءات عقلایی معاصر غیرقابل ردع از طرف شارع مقدس بوده چرا که ویژگی و قابلیت حسن و قبح عقلی را دارا هستند. از طرفی ردع آنها از ناحیه شارع موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی می گردد. بنابراین اینگونه بناءات کاشف از حکم شرع می باشند و جنبه کاشفیت دارند پس دارای حجیت استقلالی و ذاتی هستند. امام خمینی (ره) دقیقاً مطلب گفته شده را پیرامون بناءات عقلایی مستحدثه و معاصر مطرح می کنند و اضطرار را دلیل شکل گیری این دسته از سیره های عقلایی می دانند به همین دلیل شارع مقدس را جاعل اینگونه بناءات و سیره های عقلایی نمی دانند آنجا که می فرمایند: «فاعلم ان الامارات المتداوله علی السنه اصحابنا المحققین کلها من الامارات العقلایه الی عمل بها العقلاء فی معاملاتهم و سیاستهم و جمیع امورهم؛ بحیث لو ردع الشارع عن العمل بها لاختل نظام المجتمع و وقفت رحی الحیاه الاجتماعیه، و ما هذا حاله لا معنی لجعل الحجیه له و جعله کاشفاً محرراً للواقع بعد کونه کذلک عند کافه العقلاء و هاهی طرناً». بی شک اماراتی که در زبان اصحاب محقق ما رواج دارد همه از امارات عقلاییه ای هستند که عقلا به آنها در معاملات و سیاست ها و

تمام امورشان عمل میکنند به گونه ای که اگر شارع از عمل به آن منع کند نظام مجتمع از هم پاشیده و چرخ زندگی اجتماعی از حرکت باز می ایستد و چیزی که چنین شانی دارد قابل جعل حجیت نیست (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۰۵).

بیان حضرت امام اشاره به بداهت این قسم از سیره های عقلایی و درک پذیر بودن آنها دارد. به تعبیر دیگر بازگشت چنین بناءاتی به بداهت های عقلی است. ایشان در این راستا سیره های عقلایی را از فطریات العقول می شمارند (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳/۱۴۴؛ امام خمینی، ۱۴۱۰: ۲/۱۲۳). فطری بودن یک امر، نشانگر حقیقی بودن آن و خروج از دایره اعتبار و قرارداد است. در استدلال دیگر بر این دیدگاه نگاه و اهتمام ویژه مرحوم امام خمینی (ره) به مصالح جمعی و نوعی و نیازهای نوظهور و نوپیدای جامعه است. مصالحی که بر مبنای آنها بناءات و سیره هایی شکل می گیرد که غیر قابل ردع از ناحیه شارع مقدس بوده و واجد خصوصیت کاشفیت و حجیت استقلالی است. در تائید این مطلب می گوید « سرچشمه و خاستگاه تمامی اعتبارهای عقلایی مسائلی از قبیل مصلحت های اجتماعی و مانند آن است» (امام خمینی، بی تا: ۱/۱۶۱). در جای دیگر بیان داشته اند: «روشن است که اعتبار های عقلایی همانا بخاطر دست یابی به اهداف، مصلحت ها و برطرف کردن نیاز هایی بوده که تمدن انسانی و زندگی بشری را در پی داشته است» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱/۲۰-۱۹). پیداست که اگر شارع انسانها را از عمل نمودن به این اعتبارات و قوانین باز دارد نظام جامعه فرو می پاشد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱/۱۰۵). به عبارت دیگر اگر به جنبه کاشفیت و حجیت استقلالی داشتن بناءات عقلایی مستحده توجه نشود، با توجه به اینکه بسیاری از این بناءات هیچگونه سابقه ای در عصر شارع مقدس نداشته اند؛ لذا نمی توان تایید و امضا یا عدم ردع شارع را نسبت به آنها کشف نمود به همین روی جامعه مسلمانان با چالش ها و مشکلات عدیده ای روبرو می شود.

با دقت و توجه به این گفته امام نیز می‌توان نظریه حجیت ذاتی داشتن این قسم از سیره‌ها را کشف نمود آنجا که بیان داشته‌اند در همه موارد مبتلا به مردم که شرع مقدس در آن موارد حکم و روش خاصی ارائه نکرده اما عرف و سیره عقلا در آنجا دارای حکم و روش خاصی است، این عدم بیان شارع برای کاشفیت از یگانگی روش شارع و سیره عقلا و در نتیجه امضاء سیره عقلا کافی است چرا که اهمال در چنین مواردی در صورت وجود اختلاف بین روش شارع و سیره عقلا با توجه به قبح عدم بیان در وقت حاجت امری نادرست است و در فرض اختلاف شیوه شارع با روش متداول مردم اهمال شارع در بیان شیوه خاص خویش صحیح نخواهد بود. پس از بیان نشدن روش خاصی از سوی شارع می‌توان دریافت که روش او همان شیوه متداول میان عقلا است (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۳۹۷/۱). روشن‌ترین مصداق این بیان، بناءات معاصر است که شارع حکم و روش خاصی در خصوص آن ندارد. از طرفی در این بیان نیز، اشاره به حکم عقل و عرف شده است و از همین اشاره می‌توان دریافت که در اینگونه سیره‌ها و بناءات حکم عقل و عرف کاشف از حکم و روش شارع می‌باشد یعنی به نوعی جنبه کاشفیت بناء و سیره عرف و عقلا مورد تصریح قرار گرفته است. با اثبات کاشفیت، حجیت استقلالی به عبارت دیگر حجیت ذاتی این گونه سیره‌ها نیز ثابت می‌شود.

همانگونه که پژوهشگران درصددند با اثبات بازگشت بناءات عقلایی به احکام اضطراری عقل عملی حجیت استقلالی و ذاتی این سیره‌ها را به اثبات برسانند (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۶). در استدلال به حجیت ذاتی بناءات عقلایی نیز قبلاً گفته شد در صورتی که بناء عقلا را حکم عقل یا حتی جزء حکم عقل بپنداریم بی‌نیاز از امضاء شارع می‌باشد.

همچنین با توجه به اینکه بناءات مستحدثه در میان همه ملل از هر قوم و مذهب و آیین با هر تفکر و اندیشه رایج و ساری است می‌توان گفت که واجد جنبه عقلایی

و کشفی هستند و با گذشت زمان کارکرد و تازگی آنها از بین نمی‌رود پس از دایره اعتبار و قرارداد خارج هستند یعنی دارای حجیت ذاتی و غیر قراردادی می‌باشند. در همین راستا مرحوم امام در بحث از اصاله الصحه که از کاربردی ترین اصول در حجیت بخشی به نهادهای نوپیدا می باشد بناء عقلاء را محکم ترین دلیل بر حجیت آن بر شمرده اند و بیان می دارند: «و الدلیل علیه هو بناء العقلاء والسيره العقلایه القطعیه من غیر اختصاصها بطائفه خاصه کالمسلمین کقاعده الید و کالعمل بخیر الثقه معمولاً بها بین الناس» و دلیل بر آن بناء عقلاء و سیره عقلایه قطعی بدون اختصاص به طائفه خاصی مانند مسلمین است مانند قاعده ید و عمل به خبر ثقه که در میان همه با وجود اختلاف طبقات بدون انتظار ورود اعتبار از ناحیه شارع رواج دارد (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۲۰/۱). و بیان داشته اند: «صحه گذاری شارع بر قوانین سیره عقلاء دلیلی جز همان اعتبارات عقلایی نهفته در آنها ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱). و «هر چیزی که نزد عرف مسلم باشد و عقلاء احتمال خلاف آنرا ندهند واجب است مورد توجه قرار گیرد» (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۲۶۴/۱). بنابراین می توان توصیف کرد که ایشان به نوعی قائل به حجیت ذاتی بناءات عقلایی معاصر و مستحدثه بوده و از این طریق راهگشای مسائل و مشکلات جامعه اسلامی در عرصه ها و زمینه های نوپیدا و نوظهور و در همه بخش ها اعم از اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و غیره بوده اند. با این توصیف مبانی و ادله ایشان را بر نظریه مذکور بررسی می کنیم.

۱. قاعده حفظ نظام اجتماعی و منع اختلال در آن: سیره و بناات
عقلایی مستحدثه اغلب به جهت حفظ نظام اجتماعی و منع اختلال در آن شکل می گیرند و به همین خاطر مردم نسبت به این بناات انگیزه عقلایی دارند و در واقع جنبه حیثیت عقلایی آنان سبب شده است تا به حفظ مصالح و نظم اجتماعی اهتمام و توجه داشته باشند، و بنااتی که واجد این ویژگی هستند مطلوب شارع بوده و بلاشک حجت می باشند (قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۲۳۶؛ انصاری و افشاری، ۱۴۰۱: ۴۹)

چرا که مخالفت با اینگونه بنائات موجب اختلال در نظام زندگی جمعی می شود و لذا از ناحیه شرع غیرقابل ردع می باشد در همین راستا برخی از علمای اصول در دلیل سیره عقلا نسبت به تمسک به اخبار غیر قطعی حفظ نظام اجتماعی را مبنای شکل گیری میدانند و بیان داشته اند: "و علی هذه السیره العمليه قامت معایش الناس و انتظمت حياه البشر ولولاها لاختل نظامهم الاجتماعی ولسادهم الاضطراب لقله ما یوجب العلم القطعی من الاخبار المتعارفه سندا و متنا" (مظفر، بی تا: ۹۱/۲) همین باور و نگاه در اندیشه اصولی امام خمینی (ره) به صراحت دیده می شود در آنجا که منع از امارات عقلانیه که در میان عقلا رایج است را موجب اختلال نظام می دانند و معتقدند که شارع خود بر حفظ نظام و عدم اختلال در آن تاکید فراوان دارند و لذا محال است که به منع از آنها مبادرت ورزند (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۰۵-۱۰۶). ویژگی های یاد شده در بیشتر بنائات عقلایی معاصر مشهود و ملموس بوده و قطعاً تحکیم پایه های نظام زندگی اجتماعی و تنسیق و تنظیم روابط افراد جامعه در تمامی بخش ها وابسته و متکی به آنها است.

۲. قاعده عسر و حرج: ردع و منع افراد از تمسک به بنائات عقلایی مستحدثه که از ضروریات زندگی اجتماعی در عصر حاضر می باشند و عقلا بما هم عقلا به آن عمل می کنند، موجب عسر و حرج و در مشقت و سختی گرفتن عامه مردم می شود حال آنکه به استناد قاعده عسر و حرج شارع مقدس بر امری که موجب ضیق و حرج باشد صحه نمی گذارد و هرگونه حرج خارجی با تمسک به آن نفی می شود (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۱/ ۱۹۶؛ نراقی، ۱۴۱۷: ۶۰). مرحوم امام با ملاحظه مطالب فوق معتقدند عمل بر طبق این طیف از بنائات که بر مبنای بما انهم عقلا شکل می گیرند ضروری است چرا که عدم اقدام به آن موجب هرج و مرج یا دست کم عسر و حرج می شود و چون شارع خودش احدی از عقلاء است به آنها عمل می کند (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۰۵-۱۰۶). به همین دلیل اغلب بنائات عقلایی مستحدثه غیرقابل ردع از ناحیه شارع مقدس، واجد اعتبار عقلایی و جنبه کاشفیت

بوده یعنی حجیت آن به خود عقل برمی گردد و نیازی به موافقت شارع ندارد لذا دارای حجیت ذاتی می باشند.

۳. عنصر مصلحت: حفظ مصالح عمومی در راستای تنسيق و تنظيم زندگی اجتماعی و تحکیم و حفظ ارزش‌های دینی اقتضا می کند که بنائات عقلایی مستحدثه مورد توجه و اهتمام وافر قرار گرفته و با حجیت بخشی به آنها مشکلات نوظهور در عرصه های مختلف را حل نمود. مرحوم امام (ره) از جمله اندیشمندان اصولی است که نگاه خاصی به عنصر مصلحت در جهت حفظ حکومت اسلامی و اداره امور جامعه داشته اند؛ به عقیده ایشان در اسلام مصلحت نظام و به تعبیری عنصر مصلحت از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشیم و با توجه به مبنای مصلحت جمعی بر این باورند که حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام است یک جانبه لغو کند و از هر امری چه عبادی و چه غیر عبادی که جریان آن مخالف مصالح است جلوگیری کند (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۷۰/۲-۱۷۶). پیداست که بنائات عقلایی مستحدثه اغلب در راستای تامین مصالح عامه در حوزه های گوناگون شکل می گیرد بر همین مبنا مرحوم امام (ره) سرچشمه تمامی اعتبارات عقلایی را مسائلی از قبیل مصلحت جمعی و مانند آن می داند و معتقدند که اعتبار های عقلایی به خاطر تامین و جلب مصالح و مرتفع نمودن نیاز های بشری است (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۹/۱-۲۰) با دقت در بیانات ایشان به این نکته آشکار می شود که بیشتر این بنائات عقلایی در راستای تامین مصالح شکل می گیرند به گونه ای که نفی حجیت از آنها اختلال در نظام، و هرج و مرج اجتماعی و سلب مصالح را در پی دارد و لذا قابل جعل حجیت نیستند (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱۰۵/۱). به نظر معظم له این طیف از بنائات حجیت ذاتی داشته و امضاء شارع نسبت به آنها به منزله جعل حجیت برای آنها نیست بلکه امضاء شارع به دلیل اعتبار عقلایی نهفته

در آن‌ها است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۹۴/۱) و این یعنی حجیت ذاتی داشتن این بنائات.

برخی از پژوهشگران نواندیش نیز به استناد دلایل گفته شده به اثبات حجیت ذاتی داشتن بناء عقلاء پرداخته و بر این عقیده هستند که بناء عقلا واجد منشاء حقیقی هستند و حجیت آنها به خود عقل برمیگردد (اکبرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۶۵).

۴. قاعده ملازمه: مرحوم امام (ره) جایگاه ویژه ای برای عقل به عنوان منبع استنباط احکام قائل شده و کارکردهای گوناگونی در عرصه اجتماعی، سیاسی و غیره برای آن تعریف کرده و به ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع معتقداند (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۲۰۵/۳) حال همانگونه که از حکم عقل به استناد این قاعده حکم شرعی استنباط می‌شود، می‌توان میان بنائات عقلایی معاصر و حکم شرع نیز این ملازمه را تصور و ایجاد نمود و از این طریق حجیت آن را اثبات کرد. مؤید مطلب این که علمای علم اصول در اغلب موارد به سیره عقلاء همراه با قید بماهو عقلاء اشاره کرده‌اند و حکم عقل بماهو عقلا را از دلایل اصلی وجود ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع میدانند (مظفر، ۱۴۳۰: ۲۲۷/۱). مرحوم امام (ره) در آثار اصولی خویش به این نکته تصریح کرده‌اند که بنائات عقلایی بر مبنای ویژگی عقلایی بودند و بر اساس بما انهم عقلاء شکل می‌گیرد و به همین روی شارع خودش مانند احدی از عقلاء به آن عمل می‌کنند (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱۰۵-۱۰۶). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت که اگر سیره میان عقلاء بماهو عقلاء شکل گرفت شارع مقدس نیز با آن موافق است و ردع و منع آن از ناحیه شارع امکان ندارد و لذا واجد حجیت می‌باشد.

۵. قاعده لطف: این قاعده از قواعد علم کلام است که به موجب آن بر خداوند متعال لازم می‌شود کاری انجام دهد که انسانها به اطاعت نزدیک و از گناه دور شوند (فخرالدین رازی، ۱۴۱۱: ۴۸۱-۴۸۲) مانند ارسال رسول و تشریح تکالیف

دینی. اندیشمندان اصولی بر این باورند که قاعده لطف عمومیت دارد و شامل همه دوره های زمانی می شود و تنها اختصاص به زمان حضور معصوم ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳ : ۳۶۳) زیرا قاعده لطف هرفعلی را که بر وجه لطف انجام آن بر خداوند متعال لازم است ، شامل می شود از طرفی هدایت عملی جامعه از لوازم قاعده لطف در عصر غیبت است (ایزدهی، سید سجاد، درس خارج فقه: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱) این قاعده در علم اصول کارکرد های فراوانی دارد از جمله برای اثبات حجیت سنت به آن استناد شده است (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۱۷) گروهی دیگر از دانشمندان اصولی نیز با تمسک به آن حجیت اجماع را احراز کرده اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۶۴۲/۲؛ بحرانی، بی تا: ۳۷۰/۹؛ مظفر، ۱۴۲۴: ۱۰۸ / ۲). حال همانگونه که اندیشمندان اصول در راستای احراز حجیت سنت و به ویژه اجماع به آن تمسک کرده اند؛ میتوان برای اثبات حجیت بنائات و سیره های عقلایی مستحدثه است نیز به این قاعده استناد کرد و بر مبنای آن حجیت ذاتی این قسم از سیره ها را به دست آورد چرا که سیره ها و بنائات عقلایی معاصر در عصر حاضر نقش هدایت گری و راهبری جامعه را عهده دار هستند و به عنوان اجماع عملی خردمندان و عقلا در موضوعات مستحدثه در راستای نظم و نسق دادن به امور مردم در عرصه های مختلف و تامین مصالح عامه و در نهایت طریق کشف احکام در عصر غیبت ، چنانچه بر خلاف عدل و نادرست باشند؛ اقتضای لطف پروردگار عام آن است که از طریق امام غائب خطای آنها را به ذهنشان القا کند لذا چون چنین نکرده و نظری بر خلاف وجود ندارد معلوم می شود که شارع مقدس نیز با آن موافق است و از این طریق حجیت احراز می شود.

نتیجه گیری

با بررسی مبانی و مستندات دانشمندان اصول نتایج زیر حاصل گردید:

۱. در خصوص حجیت ذاتی یا غیر ذاتی داشتن و نیز مناط حجیت بنائات عقلانی که نقش آنها کبری واقع شدن برای اثبات حکم شرعی است میان دانشمندان علم

اصول اختلاف نظر وجود دارد. اکثر دانشمندان علم اصول قائل به حجیت غیر ذاتی بناء عقلاء هستند. این دسته از دانشمندان در مورد مناط حجیت بناء عقلاء اختلاف نظر دارند. مشهور آنها من جمله محقق نائینی و شهید صدر مناط حجیت را عدم احراز ردع شارع دانسته، برخی دیگر مبنای حجیت را احراز عدم ردع دانسته‌اند.

۲. بررسی مستندات و دلایل حاکی از این است که نظر غیر مشهور مبنی بر حجیت ذاتی داشتن بنائات عقلایی مقرون به صحت می باشد خصوصاً که بازگشت و منشأ بناء عقلاء عنصر عقلانی، فطری و الهی است و به تعبیر دیگر بناء عقلاء یعنی چیزی که به ذات آنها برمی گردد و از طرفی ذات و فطریات نیز طریق الی الواقع است.

۳. با استناد به قاعده حفظ نظام، ملازمه، عسر و حرج، لطف و عنصر مصلحت این نتیجه به دست می آید که بنائات عقلایی مستحدثه ای که بر مبنای ویژگی و خاصیت عقلایی خردمندان شکل می گیرد به جهت اینکه موجب تنظیم و تنسیق روابط اجتماعی افراد در عرصه های مختلف شده و عدم تمسک به آنها موجبات اختلال نظام و عسر و حرج را فراهم می آورد واجد حجیت ذاتی می باشد.

۴. با دقت در نظرات و آثار اصولی امام خمینی (ره) این نتیجه به دست می آید که دیدگاه معظم له متفاوت از دانشمندان اصولی است. بدین شرح که نسبت به بناءات متصل به عصر معصومین و بناءات مقارن عصر شارع از حیث ارتکاز و نبود سلوک خارجی در آن زمان ضمن پذیرش حجیت اعتباری نظریه عدم ردع را اختیار نمودند. اما در خصوص بناءات عقلایی معاصر که عقلاً به ما هو عقلاً به آن عمل کرده و عمل بر طبق آنها موجبات عسر و حرج و اختلال نظام را در پی دارد میتوان گفت قائل به حجیت ذاتی میباشد چرا که اینگونه بناءات از آن حیث که قائل شدن به عدم حجیت و عدم تمسک به آنها موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی می شوند؛ از طرف شارع مقدس غیر قابل ردع میباشد.

منابع

- اکبرنژاد، محمدتقی (۱۳۸۹)، **حجیت ذاتی بناهای عقلائی و تأثیر آن در فقه و اصول**، فصلنامه علمی و پژوهشی فقه، ۶۴، ۱۶۵-۱۱۴.
- انصاری، حمید و افشاری، علی اصغر (۱۴۰۱)، **نقش عدالت و مصلحت در تحسین و تقبیح عقلی و تأثیر آن دو بر شکل گیری بنائات عقلاء**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۶، ۳۱-۵۸.
- اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۴)، **نهایه الدرایه فی شرح الکفایه**، ج ۳، چ ۱، قم: سید الشهداء.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۲۶ق)، **الاجتهاد والتقلید**، ج ۱، چ ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق)، **الرسائل**، ج ۲، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، **الرسائل العشره**، چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲)، **انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه**، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق)، **انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه**، ج ۱، چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۲)، **تهذیب الاصول**، تقریرات سبحانی، جعفر، ج ۲ و ۳، چ ۱، قم: دارالفکر.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱)، **جواهر الاصول**، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، **صحیفه نور امام**، ج ۲۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۵ق)، **کتاب البیع**، چ ۵، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- آشتیانی، محمدحسن (۱۴۰۳ق)، **بحر الفوائد فی شرح الفرائد**، ج ۱، قم: منشورات کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی.
- ایزدی فرد، علی اکبر، نعمت زاده، رجبعلی و کاویار، حسین (۱۳۸۸)، **عرف و جایگاه آن در استنباط احکام شرعی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱، ۴۵-۷۳.
- بحرانی، شیخ یوسف (بی تا)، **الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره**، تحقیق محمدتقی ایروانی، ج ۹، قم: جامعه مدرسین.

- جبار گلباغی ماسوله، سید علی (۱۳۷۸)، **درآمدی بر عرف**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷)، **الفائق فی الاصول**، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- جهانخواه، علی (۱۳۹۰)، **جایگاه بناء عقلا در فقه شیعه**، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۷، ۲۱۰-۱۸۴.
- حکیم، سید محمد تقی (۱۴۱۸ق)، **الاصول العامه للفقہ المقارن**، قم: موسسه آل البيت.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- شیخ طوسی، ابوجعفر (۱۴۱۷ق)، **العهده فی اصول الفقه**، ج ۲، قم: بی جا.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵)، **المعالم الجدیده للاصول**، مکتبه النجاح، تهران: مکتب النجاح.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق)، **بحوث فی علم الاصول**، تقریرات هاشمی شاهرودی، سید محمود، قم: موسسه دائرالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۸ق)، **دروس فی علم الاصول**، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین (بی تا)، **حاشیه کفایه الاصول**، ج ۲، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷ق)، **نهایه الافکار**، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۵۷)، **فرهنگ فارسی**، ج ۱ و ۲، ج ۱، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر بن حسین (۱۴۱۱ق)، **المحصل**، عمان: دارالرازی.
- قائم مقامی، سیدعباس حسینی (۱۳۷۸)، **کاوش های فقهی**، تهران: امیر کبیر.
- کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۴۰۹ق)، **فوائد الاصول**، تقریرات میرزای نائینی با تعلیقات ضیاء الدین عراقی، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مازندرانی (شریف العلما)، ملامحمد شریف (بی تا)، **ضوابط الاصول**، بی جا: بی نا.
- محصلی، هدایت حسین (۱۳۹۰)، **عرف و بنای عقلا در فرآیند اجتهاد**، فصلنامه تخصصی پژوهش نامه فقهی، ۳، ۲۷۱-۳۰۱.
- مرعشی شوشتری، محمدحسن (۱۳۷۶)، **دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام**، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۲۴ق)، **اصول الفقه**، تحقیق عباس علی زارعی، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق)، **اصول الفقه**، ج ۱ و ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، ج ۱، چ ۸، تهران: امیر کبیر.

- موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۸۰)، **منتهی الأصول**، تهران: مؤسسه عروج.
- نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶)، **فوائد الاصول**، تقریرات کاظمی خراسانی، محمدعلی ج ۳، چ ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، **عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام**، قم: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشار.

(2009), **Intrinsic authority of**

rational buildings and its impact on jurisprudence and principles,

Fiqh Scientific and Research Quarterly, No.64, p: 114-165.

- Ansari, Hamid and Afshari, Ali Asghar (1980), **the role of justice and expediency in intellectual praise and condemnation and their effect on the formation of rational structures**, Studies in Fiqh and Islamic Law, 26, 31-58.

- Esfahani, Mohammad Hossein (1995), **Nahaye al-Daraya fi Sharh al-Kuffayeh**, Vol. 3, 1th ed., Qom: Seyyed al-Shahda.

- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2005), **Ijtihad and Taqlid**, vol.1, 1th ed., Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.

- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1989), **Al-Rashee**, Vol. 2, Qom: Ismailian Press Institute.

- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2006), **Al-Rashay al-Ashrah**, 2th ed., Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1993), **Anwar al-Hidayah fi al-Taliqah Ali al-Kafayeh**, vol. 1, Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1994), **Anwar al-Hidayeh fi al-Taliqah Ali al-Kafayeh**, Vol. 1, 2th ed, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.

- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2003), **Tahhib al-Asul**, Sobhani, Jafar's interpretations, vol. 2 and 3, 1th ed., Qom: Dar al-Fikr.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2002), **Javaher al-Asul**, Vol. 3, Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1999), **Sahifa Nur Imam**, Vol. 21, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1994), **Kitab al-Bay**, 5th ed., Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Ashtiani, Mohammad Hasan (1982), **Bahr al-Fawaed fi Sharh al-Fareed**, vol. 1, Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library pamphlets.

- Yazidi Fard, Ali Akbar, Nematzadeh, Rajab Ali and Kaviar, Hossein (2009), **custom and its place in the derivation of Shariah rulings**, Islamic Jurisprudence and Law Studies, No.1, p: 45-73.
- Bahrani, Sheikh Yusuf (Dateless), **al-Hadaiq al-Nazrah fi Akhmat al-Atrah al-Tahirah**, research by Mohammad Taghi Irvani, vol. 9, Qom: Jamia Madrasin.
- Jabar Golbaghi Masuleh, Seyyed Ali (1999), **an introduction to custom**, Qom: Office of Islamic Propaganda of the Seminary.
- A group of authors (2017), **Al-Faiq fi al-Asul**, Qom: Seminary Management Center.
- Jahankhah, Ali (2011), **the position of Bana al-Aqla in Shia jurisprudence**, Political Science Quarterly, No. 17, p: 184-210.
- Hakim, Seyyed Mohammad Taqi (1997), **Al-Usul al-Uma for Fiqh al-Maqarn**, Qom: Al-Al-Bayt Institute.
- Hali (Allamah), Hasan bin Yusuf (1992), **Kashf al-Murad fi Sharh Tajrid al-Itqad**, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Sheikh Tusi, Abu Ja'afar (1996), **Al-Ada Fi Usul Fiqh**, Vol. 2, Qom: Bibi.
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer (2015), **Al-Muhamm al-Jadideh Lal Asul**, Al-Najaj School, Tehran: Al-Najah School.

- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer (1996), **Researches in the Science of Asul**, Hashemi Shahroudi, Seyyed Mahmood, Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute on the Religion of Ahl al-Bayt, peace be upon them.
- Sadr, Seyyed Muhammad Baqir (1997), **Lessons in the Science of Religion**, Vol. 1, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (Dateless), **Marjih Kefayeh al-Asul**, Vol. 2, Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.

- Iraqi, Zia al-Din (1996), **Nahaye al-Afkar**, Vol. 3, Qom: Islamic Publications Office.
- Omid, Hassan (1978), *Farhang Farsi*, Vol. 1 and 2, 1th ed., Tehran: Amir Kabir Publications.
- Fakhr al-Din Razi, Muhammad bin Umar bin Hussain (1990), **Al-Mashal**, Oman: Dar al-Razi.
- Qaim Maggi, Seyyed Abbas Hosseini (1999), **Legal Explorations**, Tehran: Amir Kabir.
- Kazemi Khorasani, Muhammad Ali (1988), **Fawad al-Asul**, Mirza Naini's narrations with Zia al-Din Iraqi's notes, vol. 3, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.

- Mazandarani (Sharif Ulama), Mulla Mohammad Sharif (Dateless), **Peyala al-Asul**, bija: bi na.
- Moshli, Hedayat Hossein (2013), **Custom and the building of reason in the process of ijtehad**, Specialized Quarterly Journal of Jurisprudence, No 3, p: 271-301.
- Marashi Shushtri, Mohammad Hassan (1997), **New Perspectives in Islamic Criminal Law**, Volume 1, Tehran: Mizan Publishing.
- Muzaffar, Mohammad Reza (2003), **Principles of Jurisprudence**, Research by Abbas Ali Zarei, Vol. 2, Qom: Bostan Kitab.
- Muzaffar, Mohammad Reza (2008), **Principles of Fiqh**, Vol. 1 and 3, Qom: Islamic Publications Office.
- Moin, Mohammad (1992), **Farhang Farsi**, Vol. 1, 8th ed., Tehran: Amir Kabir.
- Mousavi Bejnvardi, Hassan (2010), **Menteheh al-Usul**, Tehran: Aruj Institute.
- Naini, Mohammad Hossein (1997), **Fawad al-Asul**, written by Kazemi Khorasani, Mohammad Ali, vol. 3, 1th ed., Qom: Society of Seminary Teachers.
- Naraghi, Ahmed bin Muhammad Mahdi (1996), **Awaedalayam fi Bayan Qa'aw al-Ahkam**, Qom: Qom Seminary, Office of Islamic Propaganda, Publishing Center.

UNCORRECTED PROOF